

دخترها در جنگ

(مجموعه داستان)

اجیمز جویس، گابریل گارسیا مارکز، ایزابل آئنده، فلانری آکانر، آهنری،
لنو تولستوی، گی دو موپاسان و ...]

مترجم: ناهیده هاشمی



فهرست مطالب

۷	مقدمه - عباس پڑمان
۱۳	... و ما از خاک آفریده شده ایم - ایزابل آلدن
۳۵	دو قرص نان - ا. هنری
۴۳	خانه - ویلیام سامرست موآم
۵۳	نجوای ایزابل هنگام تماشای باران - گابریل گارسیا مارکز
۶۷	جنگ - لوئیجی پیراندلو
۷۷	درخت - ماریا لوئیزا بومبال
۹۷	دوشیزه بریل - کاترین فسفیلد
۱۰۹	هر چیزی که از حد گذشت از حالت عادی خارج می شود - فلانری اُکانر
۱۳۹	بیست سال بعد - ا. هنری
۱۴۷	دخترها در جنگ - چینوا آچه به
۱۷۵	خاک رس - جیمز جویس
۱۸۹	عشق - جسی استوارت
۱۹۷	آن سوی دیوار - ادوارد مورگان فورستر
۲۱۳	ژاکت - جانن فریم
۲۲۳	سرباز - کاتای تایاما
۲۵۳	تقدیم با احترام - مری وب

۶ / دخترها در جنگ

فهرست مطالب

شماره پنجم - ۱۳۳۳ - گردآوری: مرتضی

۲۶۵ دختر - جامائیکا کین کاید
۲۷۱ پیرمرد - گی دو موپاسان
۲۸۱ بونتشای ساکت - آی. ال. پرتز
۲۹۷ بازگشت زمان خان - کریشان چاندار
۳۱۵ بچه‌ها و بزرگ‌ها - لئو تولستوی
۳۲۳ توفان - مک نایت مالمار

فهرست نگاره

فهرست نقوش

شماره نشریه دانشمندی: ۲۵۶۶۰۰۱

۲۱
۵۲
۶۲
۶۵
۷۹
۷۷
۷۶
۸۰۱
۶۲۱
۶۶۱
۵۷۱
۶۸۱
۷۸۱
۶۱۲
۶۲۲
۶۵۲



کتابخانه ملی و اسناد ایران - تهران - خیابان ولیعصر - پلاک ۱۰۰ - تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۰۰۰۰۰

مقدمه

فرهنگ لیتره، که معتبرترین فرهنگ زبان فرانسه در قرن نوزدهم بود، داستان کوتاه را «رمان خیلی کوتاه» تعریف کرد. این تعریف در ظاهر عامیانه و غیرفنی به نظر می‌رسد، اما تعریف جالبی است. حقیقت این است که شباهت این دو نوع ادبی خیلی بیشتر از اختلاف آن‌ها است. رمان معمولاً بلندتر از داستان کوتاه است. اما داستان‌های کوتاهی نوشته شده که بلندتر از بعضی رمان‌ها هستند. در رمان معمولاً بیشتر از داستان کوتاه شخصیت داستانی هست. اما تعداد شخصیت‌های داستانی در بعضی رمان‌ها کمتر از بعضی داستان‌های کوتاه است. به علت ماهیت خاص رمان، معمولاً وقایع آن در یک دوره‌ی زمانی بلند اتفاق می‌افتد و در داستان کوتاه معمولاً عکس این است. اما رمان‌هایی هست که وقایع آن‌ها در زمان کوتاهی اتفاق می‌افتد و داستان‌های کوتاهی که زمان نسبتاً بلندی را شامل می‌شود. در رمان معمولاً به شخصیت‌پردازی و روانشناسی اهمیت بیشتری داده می‌شود. اما داستان‌های کوتاه زیادی هست که از لحاظ شخصیت‌پردازی و روانشناسی هیچ چیزی در برابر رمان‌های خوب کم نمی‌آورند.

اما یک چیز هم هست که کماکان این دو را از هم جدا می‌کند. شخصیت اصلی در رمان تحول می‌یابد. یعنی آن شخصیتی که در آخر رمان آن را ترک می‌کند همانی نیست که در اول رمان با او آشنا شدیم. این شخصیت تحولی را در رمان از سر می‌گذراند و به یک نوع بلوغ و تکامل می‌رسد. اما داستان کوتاه این طور نیست. داستان کوتاه، حتی اگر در زمان نسبتاً بلندی اتفاق بیفتد، انگار فقط یک چیز لحظه‌ای را می‌خواهد روایت کند؛ چیزی که می‌خواهد از اول تا آخر فقط در یک شکل ثابت نظر ما را جلب کند. برای همین است که می‌گویند رمان‌ها خوانندگان خود را ارضا می‌کنند اما داستان‌های کوتاه خواننده را مشتاق‌تر و تشنه‌تر بر جای می‌گذارند. یعنی مثل همان چیزی که سعدی به این شکل آن را گفته است:

گفتم ببینمش مگرم درد اشتیاق

ساکن شود بدیدم و مشتاق‌تر شدم

در این جا دیگر راه رمان و داستان کوتاه از هم جدا می‌شود. یعنی تأثیر آن‌ها بر ذهن خواننده با همدیگر متفاوت است و این دو از این حیث به دو مقوله‌ی مختلف تبدیل می‌شوند. در خصوص رمان مثل این است که اشتیاق زیبا و اولیه‌ای جایش را به ارضا و زیبایی‌های دیگر می‌دهد، اما در خصوص داستان کوتاه مثل این است که آن اشتیاق کماکان باقی می‌ماند و حتی بعضی از داستان‌ها آن را شدیدتر هم می‌کنند.

داستان کوتاه خوب با هر سبک و تکنیکی که نوشته شده باشد و موضوع آن هرچه باشد باید چنین اشتیاقی را در خواننده ایجاد کند. داستانی که می‌خوانیم و بعد هم فراموشش می‌کنیم داستان خوبی